نظمیه

انهدام دو باند بزرگ قاچاق مواد روانگردان

رئیس پلیس مبارزه با موادمخدر فاتب از انهدام دو باند بزرگ قاچاق مواد روانگردان و دستگیری ۱۰ قاچاقچی این مواد در پایتخت خبر داد.

سرهنگ حسین بابابور در این‌باره به سایت پلیس گفت: با ارجاع چند فقره گزارش و شکایات مردمی مبنی بر توزیع موادمخدر و روان‌گردان در مناطقی از شهر تهران، پرونده‌ای در این رابطه تشکیل و تیمی از ماموران پایگاه نهم تحقیقات در این زمینه شروع کردند. همچنین معلوم شد متهمان از اعضای یک باند حرفه‌ای قاچاق و توزیع مواد روان‌گردان هستند که اقدام به قاچاق و فروش موادمخدر در مناطق مختلف شهر تهران می‌کنند و این موضوع موجی از نارضایتی را برای شهروندان به‌وجود آورده است. ماموران دو شب قبل موفق شدند در یک عملیات پلیسی و در اقدامی هوشمندانه و با رعایت موازین شرعی و قانونی و با اصل غافلگیری ضمن ورود به مخفیگاه متهمان هفت قاچاقچی را دستگیر و در بازرسی از محل ۲۰ کیلوگرم ماده روانگردان کشف کنند. متهمان پس از دستگیری همراه مواد مکشوفه به مقر پلیس مبارزه با موادمخدر فاتب منتقل و پس از انجام تحقیقات تکمیلی و بازجویی‌های فنی برای سیر مراحل قانونی تحویل مرجع قضایی شدند. وی در ادامه به دستگیری اعضای یک باند دیگر قاچاق مواد روانگردان اشاره کرد و گفت: در پرونده‌ای دیگر با پیگیری‌های شبانه‌روزی و تحقیقات انجام‌شده از سوی ماموران این پلیس، مشخص شد چند قاچاقچی با مراجعه به یکی از استان‌های شمالی، مقادیر قابل‌توجهی مواد روانگردان را تهیه کرده و قصد دارند آن را توسط یک دستگاه خودروی سواری به تهران منتقل کنند. خودرو آنها در محدوده بزرگراه آزادگان مشاهده و در اقدامی غافلگیرانه متوقف شد. متهمان بلافاصله دستگیر و در بازرسی از خودرو نیز ۲۱ کیلوگرم مواد روانگردان کشف شد.

روایتی هولناک از قتل استاد موسیقی و مرد مورد علاقه‌اش

لیلا حسین‌زاده
گروه حوادث

با گذشت ۹ روز از قتل یاسمین رحمتی، استاد موسیقی (سنتور) دانشگاه تهران و مرد همراهش به نام سیدمصطفی ظهیرالدینی در ویلایی در پیربازار رشت هنوز گره‌کور این پرونده مرموز باز نشده است. پلیس آگاهی همچنان در پی شناسایی سرنخی از قاتل یا قاتلان احتمالی است که سحرگاه هفدهم شهریور هر دو را در خواب به قتل رساندند.

پدر مصطفی از به یادآوردن لحظات قتل پسر ۳۷ساله و دختری که قرار بود عروسش شود، رنج می‌کشد و می‌گوید نمی‌داند از کجا و چه بگوید. او در گفت‌وگو با جام‌جم و با صدایی خسته از شب جنایتی می‌گوید که در ویلا رخ داد: «پسرم ۳۷ ساله و فرزند آخر بود و با من در مغازه کار می‌کرد. او و یاسمین ۱۱ ماه پیش در جزیره هنگام و زمانی‌که برای تفریح رفته بودند، با هم آشنا شدند. پس از آشنایی، پسرم موضوع را با خانواده مطرح‌کرد که پرسیدم همدیگر را دوست دارید؟ پسرم گفت او را می‌شناسد و قصد ازدواج دارد. گفتم پس از پایان ماه‌های محرم و صفر به خواستگاری او می‌رویم. هیچ کدام هم سابقه عقد و ازدواج نداشتند.

هفتم شهریورماه، یاسمین اهل اراک با خودروی خود به خانه‌مان در قاهان آمد و با پسرم به ویلای یاسمین در پیربازار رشت رفتند. یاسمین دو سالی می‌شد که این ویلا را داشت. در روزهایی‌که به سفر رفته بودند، پسرم روزی چندبار با ما تلفنی صحبت می‌کرد و پیام می‌فرستاد، اما از ۱۲ شهریور تماس‌ها قطع شد. هم ما نگران شده بودیم و هم مادر یاسمین که چرا دخترش تلفن‌های او را پاسخ نمی‌دهد. او با یکی از دوستان نزدیک یاسمین که کلید ویلا را داشت تماس گرفت و خواست از حال بچه‌ها باخبر کند.

دوست یاسمین با ورود به خانه با اجساد غرق در خون یاسمین و مصطفی روبه‌رو می‌شود که در اتاق افتاده بودند. با سروصدای او همسایه‌ها از موضوع مطلع شدند و پلیس را باخبر کردند. رسانه‌ای گفته بود اجساد به تراس برده شده بودند که درست نیست. به گفته پسر دیگرم که جسد مصطفی را دیده بود، صورتش غرق در خون آمده. گویا یاسمین را قبل از قتل شکنجه کرده بودند زیرا پهلویش سیاه شده و ۴-۳ انگشت هم نداشت. قاتل یا قاتلان ابتدا پسرم را کشته و بعد یاسمین را شکنجه کرده و به قتل رسانده بودند.»

او در مورد نحوه قتل مصطفی و یاسمین ادامه داد: «آن‌طور که می‌گویند چند پوکه گلوله در صحنه جنایت پیدا شده است. آنها ساعاتی پیش از جنایت در یک مهمانی بودند و پس از بازگشت به ویلا و حوالی ساعت ۲:۳۰ یا ۳ بامداد به قتل رسیده‌اند. نمی‌دانم در زمان جنایت قاتل یا قاتلان خانه را به‌هم ریخته بودند یا نه، اما به جز گوشی پسرم و سوئیچ خودروی یاسمین هیچ چیزی از ویلا سرقت نشده است. ویلا دوربین نداشت و فقط ساختمان سرکوچه دوربین داشت که نمی‌دانم پلیس آن را بررسی کرده یا نه. به نظرم یک نفر به‌تنهایی نمی‌توانسته این قتل‌ها را انجام دهد و ممکن است همدست یا همدستان دیگری هم داشته باشند. به گفته همسایه‌ها قاتل یا قاتلان کارشان را خوب بلد بودند چون هیچ‌کس صدای شلیک گلوله نشنیده است. ما به ویلا هم رفتیم اما کاش نمی‌رفتیم و حال همگی بد شد. دیوار ویلا کوتاه بود و گویا قاتل یا قاتلان از دیوار بالا رفته و وارد حیاط شده بودند.»

پدر مصطفی در مورد این‌که آیا به کسی مشکوک است یا خیر می‌گوید: «چند نفر را معرفی کردیم و گویا پلیس با ۳-۲ نفر هم تماس گرفته است، اما از نتیجه خبر نداریم. خودم و خانواده‌ام هم به تمام سوالات پلیس پاسخ دادیم و منتظر نتیجه پرونده هستیم تا بدانیم چه کسی یا کسانی و به چه علت پسرم و یاسمین را به قتل رسانده‌اند. مصطفی پسر خیلی خوبی بود و با هیچ‌کسی دشمنی نداشت. آن‌قدر مظلوم بود که آزارش به مورچه هم نمی‌رسید. یاسمین هم دختر خیلی خوبی بود. برخی می‌گویند یاسمین خواستگار یا نامزد داشته که حرف در این باره زیاد است. همسرم از مصطفی پرسیده بود آیا یاسمین خواستگار داشته که پاسخ پسرم منفی بود. این دو جوان خیلی به یکدیگر علاقه داشتند. پسرم درحالی قربانی شد که همیشه سرش به زندگی خودش گرم بود و با کسی کار نداشت. او قرار بود بعد از بازگشت از سفر برای خرید خودرو ثبت‌نام کند که قسمت نشد. امیدواریم پلیس هرچه زودتر عامل یا عاملان این جنایت سوزناک را دستگیر کرده و به سزای اعمال‌شان برساند.»

محکمه

تبرئه از اتهام قتل دختر مورد علاقه بعد از ۲۰ سال

مردی که متهم بود دختر مورد علاقه‌اش را پس از آزار در کوه به قتل رسانده، پس از ۲۴ سال از ماجرا تبرئه شد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، تحقیقات جنایی در این پرونده از اردیبهشت سال ۱۳۷۹ و با گزارش سقوط مرگبار دختر جوانی به نام ستاره از کوهی در شهرستان فیروزکوه استان تهران آغاز شد. ماموران با حضور در محل متوجه شدند ستاره در حال کوه‌پیمایی بوده که به پایین سقوط کرده و براثر شدت جراحات در دم جان باخته بود. شاهدان ماجرا در تحقیقات مدعی شدند لحظه سقوط دختر جوان را ندیده‌اند.

جسد برای تعیین علت مرگ به پزشکی قانونی منتقل شد که پزشکان علت مرگ او را صدمات ناشی از سقوط از کوه اعلام کردند. جسد با دستور قضایی تحویل خانواده‌اش شد و آنها پیکر دخترشان را دفن کردند. ۲۰ سال بعد از این ماجرا پدر ستاره با مراجعه به پلیس آگاهی شکایت جدیدی مطرح کرد و گفت: پسر جوانی به نام امین به دخترم علاقه‌مند شده بود و به خواستگاری او آمد اما من مخالف این ازدواج بودم. دخترم به نظر من احترام گذاشت. چند روز قبل متوجه شدم امین نزد دو نفر از دوستانش اعتراف کرده که روز حادثه همراه ستاره به کوه رفته و بعد از شنیدن جواب رد، دخترم را آزار داده و از کوه به پایین پرت کرده است. حالا از این پسر به اتهام قتل دخترم شکایت دارم.

پس از این شکایت، امین شناسایی و دستگیر اما منکر قتل ستاره شد و در تحقیقات گفت: من به ستاره علاقه داشتم و می‌خواستم با او ازدواج کنم اما پدرش مخالف این ازدواج بود. به همین دلیل ستاره ارتباطش را با من قطع کرد. روز حادثه ستاره به تنهایی به کوه رفته و دچار حادثه شده بود. من همراه او نبودم و نمی‌دانم چرا پدرش من را مقصر مرگ دخترش اعلام کرده است. روز حادثه من با خودرویم در حال مسافرکشی بودم. ستاره بیماری صرع داشت و احتمال دارد در کوه دچار تشنج شده و سقوط کرده باشد. امین در حالی منکر قتل دختر مورد علاقه‌اش بود که پدر ستاره اعلام کرد، می‌تواند دو شاهدی را که امین نزد آنها به قتل ستاره اعتراف کرده به دادگاه بیاورد تا شهادت دهند.

پرونده سقوط مرگبار دختر جوان به شعبه ۱۱ دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شده تا قضات با حضور متهم و دو شاهد شاکی، ماجرای سقوط ستاره را بررسی کنند. در جلسه رسیدگی به این پرونده پدر ستاره با طرح دوباره شکایت برای امین درخواست قصاص کرد؛ سپس متهم در دفاع از خود گفت: ۲۰ سال از این ماجرا گذشته و من برای خودنمایی پیش دوستانم چنین دروغی را گفتم.

سپس دو شاهد در جایگاه قرار گرفتند. یکی از آنها گفت: امین آن موقع که ماجرا را برای ما تعریف کرد سن کمی داشت. می‌گفت ستاره را آزار داده و از کوه به پایین پرت کرده. مطمئنم برای خودنمایی چنین ادعایی را مطرح کرده است.

این در حالی است که دومین شاکی مدعی شد چنین موضوعی را از امین نشنیده است.

در ادامه قضات، پرونده را از موارد لوث تشخیص داده و قرار شد گره این پرونده با مراسم قسامه باز شود.

پدر ستاره در این خصوص گفت: من قسم متهم را قبول ندارم. خودم هم نمی‌توانم برای گناهکار بودن او قسم بخورم، چون واقعیت را به چشم ندیدم. در ادامه امین ۵۰ بار قسم خورد که بی‌گناه است و گفت: باور کنید برای خودنمایی این ادعا را مطرح کردم و مرتکب قتل نشدم. قضات دادگاه در پایان امین را تبرئه کردند که این حکم در دیوان عالی کشور مهر تایید خورد.

امداد

سه سکانس از سه عملیات نجات

محمد غمخوار
دبیر گروه حوادث

سه سکانس از سه فداکاری برای نجات جان کودکان دیروز پر بازدیدترین فیلم‌های شبکه‌های اجتماعی بود. در دو سکانس امدادگران اورژانس و در سکانس سوم مامور پلیس راه بازیگران اصلی عملیات نجات بودند تا پایانی خوش را برای لحظات دلهره‌آور پدر و مادری رقم بزنند.

فقط به فکر نجات

اولین فیلم پر بازدید دیروز مربوط به نجات کودکی در مقابل پایگاه اورژانس اصفهان بود که دیدن صحنه بازگشت کودک به زندگی اشک شوق را از چشمان هر بیننده‌ای جاری کرد. وزیر بهداشت هم دیروز با دیدن این صحنه نتوانست جلوی اشک خود را بگیرد. ماجرا از این قرار است که خانواده‌ای در حالی که کودک‌شان را در آغوش داشتند وارد ستاد اورژانس اصفهان شده و برای نجات جان او درخواست کمک کردند. پرسنل هنگام خروج از ساختمان متوجه موضوع شده و در بررسی اولیه دریافتند او نبض ندارد. در مقابل راه پله‌ها عملیات احیا را آغاز کردند. در حالی که ضربان و نفس کودک قطع شده بود بعد از چند دقیقه تلاش امدادگران نتیجه داد و دختر بچه چشمانش را باز کرد و به زندگی بازگشت. گریه‌های کودک خیال امدادگران را راحت کرد که خطر رفع شده و برای اطمینان او را با آمبولانس به بیمارستان منتقل کردند.

گریه نوزاد و خوشحالی مادر

مرضیه حسین‌پور، کارشناس اورژانس یاسوج دومین ناجی جان کودکان بود. چند روز قبل مادری با حالت پریشان در حالی که شیون می‌کرد در تماس با اورژانس یاسوج تماس گرفت و برای نجات جان کودک یک‌ساله‌اش درخواست کمک کرد. کارشناس اورژانس سعی کرد مادر را آرام کند تا بتواند به او کمک کند. آن‌طور که مادر روایت می‌کرد، هویج در گلوی کودک یک‌ساله‌اش گیر کرده بود و هر لحظه رنگ کودک سیاه‌تر می‌شد. حسین‌پور از مادر کودک خواست که سینه بچه را روی دست خود بگذارد و پنج ضربه محکم بین کتف کودک بزند. از آن سوی خط صدای شمارش مادر می‌آمد که بعد از گفتن عدد ۵ صدای گریه بچه به گوش رسید و تکه هویج از مسیر تنفسی‌اش خارج شد و به زندگی برگشت.

بازگشایی ترافیک برای سنا

آخرین ناجی، سروان بیتار، مامور پلیس راه استان مازندران بود. ماموری که ناجی دختر مازندرانی شد. سنا در تعطیلات هفته گذشته در حال آتش‌بازی با دوستانش در مقابل خانه بود که شعله‌های آتش به جانش افتاد و دچار سوختگی شدید شد. پدر با اطلاع از ماجرا دختر را سوار ماشین کرد تا به بیمارستان سوانح سوختگی ساری که با خانه‌شان ۱۰۰ کیلومتر فاصله داشت، برساند. به کمربندی آمل که رسید، ناگهان مسیر به خاطر ترافیک قفل شد. دختر از شدت سوختگی ناله می‌کرد و پدر درمانده برای رساندن به بیمارستان بود که با دیدن گشت پلیس‌راه خود را به آنها رساند و درخواست کمک کرد. سروان بیتار، مامور فداکار پلیس راه مازندران با دیدن وضعیت سنا، از پدر او خواست با ماشین پشت سرشان حرکت کند و آژیرکشان مسیر را باز کرد و سنا را سریع به بیمارستان رساندند که با اقدامات درمانی نجات پیدا کرد. این مامور فداکار به جام‌جم گفت: در حال بازگشت از ماموریت بودم که این خانواده سراغم آمدند. با دیدن وضعیت پدر و مادرش نتوانستم به خانه بروم. انگار بچه خودم داخل ماشین بود و سعی کردم مسیر را باز کنم تا او به بیمارستان منتقل شود.

عدلیه

روایتی تلخ از غرق شدن مهاجر ایرانی در یونان

خانواده مهاجر غیرقانونی ایرانی که در آب‌های یونان غرق شده بود، بعد از دو سال با پیدا شدن جسدی شبیه فرزندشان خواستار بازگشت پیکر او به ایران شدند.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، روزهای پایانی هفته گذشته مردی با حضور در شعبه هشتم بازپرسی دادسرای جنایی تهران برای تحویل گرفتن جسد برادرش از یونان درخواست کمک کرد و گفت: برادرم دو سال قبل در آب‌های یونان غرق شد. چند روز قبل از طریق پلیس یونان با خبر شدیم جسدی را پیدا کردند و احتمال می‌دهند متعلق به او باشد. حالا می‌خواهیم این موضوع بررسی شود تا در صورت تایید ماجرا جسد را به ایران برگردانیم.

بررسی‌ها نشان داد، این مرد همراه برادرزنش راهی این سفر شده که همسرش زنده مانده بود. به همین خاطر این مرد احضار شد و در اظهاراتش گفت: اهل استان فارس هستیم. دچار مشکلات کاری و مالی شدیم. بعد از آن تصمیم گرفتیم غیرقانونی به یونان سفر کنیم و آنجا کسب‌وکاری را شروع کرده و با بهتر شدن شرایط‌مان خانواده‌هایمان را نزد خودمان ببریم. من و دامادمان به قاچاق‌بران پول دادیم و به ترکیه رفتیم، از آنجا ما را سوار قایقی کردند، ۳۰ تا ۴۰ مهاجر غیرقانونی با ملیت‌های مختلف سوار آن قایق بودند. قایق کوچک اما جمعیت داخل آن زیاد بود. از طرفی ناگهان گشت پلیس ساحلی قایق را دید و هوا نیز توفانی شد. همه اینها دست به دست هم داد و قایق‌مان در آب‌های یونان غرق شد. به‌سختی توانستم روی یک تخته شکسته شناور بمانم. یک هفته در آب‌های یونان سرگردان بودم تا بالاخره خود را به جزیره‌ای در همان حوالی رسانده و کنار ساحل بیهوش افتادم. وقتی به هوش آمدم و کمی بهتر شدم نزد پلیس رفتم که به من گفتند همه سرنشینان غرق شده‌اند. چند روز پیش پلیس یونان به ما اطلاع داد جسدی در دریا پیدا شده که شبیه دامادمان است. سالار صنعتگر، بازپرس شعبه هشتم دادسرای جنایی تهران با تایید این خبر به جام‌جم گفت: قرار شد خانواده جوان ایرانی در پزشکی قانونی آزمایش دی‌ان‌ای انجام دهد و نتیجه آن از طریق اداره‌کل امور بین‌الملل قوه قضاییه در اختیار مرجع قضایی یونان قرار بگیرد تا اگر جسد متعلق به مرد ایرانی باشد، پیکر او تحویل خانواده‌اش شود.

محکمه

خودکشی پدر بعد از قتل دو کودکش

مردی با انگیزه مرموز پسر هشت و دختر سه‌ساله‌اش را کشت و به زندگی‌اش پایان داد. اولیای دم مقتولان درخواست پرداخت دیه از بیت‌المال را مطرح کردند.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، سال گذشته مردی در تماس با پلیس شهر پرند اعلام کرد، از همسایه‌شان خبری نیست و بوی تعفن شدیدی از خانه‌شان به مشام می‌رسد. پس از این تماس تیمی از ماموران راهی محل شده و در تحقیقات اولیه دریافتند مرد ۴۰ ساله‌ای همراه پسر هشت ساله و دختر سه‌ساله‌اش در این خانه زندگی می‌کردند.

با توجه به این‌که احتمال قتل وجود داشت، موضوع به بازپرس جنایی گزارش شد و با دستور او تیمی از آتش‌نشانان در خانه را باز کرده و با صحنه هولناکی روبه‌رو شدند. جسد مرد ۴۰ ساله و دو فرزندش در نزدیکی هم قرار داشت. هر سه با شلیک اسلحه شکاری به سینه‌شان جان باخته بودند. با بررسی صحنه مشخص شد پدر ابتدا به پسرش شلیک کرده و بعد دخترش را هدف قرار داده و در پایان به خودش شلیک کرده بود.

ماموران در ادامه دریافتند، این مرد و همسرش چند سال قبل جدا شدند و دختر بزرگ‌شان با مادرش زندگی می‌کرد و پدر حضانت دو فرزند دیگرشان را برعهده داشت. در حالی که انگیزه این جنایت و خودکشی مشخص نبود، اولیای دم درخواست دیه از بیت‌المال را مطرح کردند. در جلسه رسیدگی به این درخواست که در شعبه ۱۳ دادگاه کیفری یک استان تهران برگزار شد، پدربزرگ خانواده گفت: پسرم کارمند و وضع مالی او خوب بود، اگر به پول نیاز داشت من کمکش می‌کردم.

مادر دو کودک هم اظهار داشت: همسرم اختلال اعصاب و روان داشت و هر چه اصرار کردم برای درمان کاری نکرد. حتی راضی نشد حضانت دو فرزندمان را به من بدهد. پس از بررسی این درخواست قضات برای تصمیم‌گیری وارد شور شدند.

عدلیه

سرقت ۲۰۰۰ کیلو تن ماهی برای انتقام

مرد میانسال برای این‌که به بیمه خسارت وارد کند، محموله ۲۰۰۰ کیلویی تن ماهی را با صحنه‌سازی سرقت کرد. به گزارش خبرنگار جام‌جم، روزهای پایانی فروردین امسال مردی با حضور در شعبه دوم بازپرسی دادسرای جنایی تهران از چهار مرد به اتهام آدم‌ربایی و سرقت مقرون به آزار شکایت کرد. پرونده برای تحقیقات به پلیس آگاهی تهران ارسال شد و شاکی در اظهاراتش گفت: راننده محموله باری هستم. ۲۰۰۰ کیلو تن ماهی را بارزده و قرار بود از تهران به شهرستان منتقل کنم. در اتوبان آزادگان چهار مرد موتورسوار خودرو را متوقف کردند. بعد مرا بیهوش و محموله داخل ماشین را همراه گوشی تلفن‌همراهم سرقت کردند. تحقیقات برای دستگیری سارقان ادامه داشت تا این‌که هفته گذشته ماموران متوجه شدند گوشی سرقت‌شده از این راننده فعال شده و در اختیار خود همین فرد است و با خانواده و اقوامش مکالمه‌هایی را داشته است. ماموران به او شک کردند که خودش سارق باشد که با هماهنگی قضایی دو روز پیش بازداشت شد. متهم در جریان تحقیقات گفت: چندی قبل تصادف کردم و باید بیمه خسارتم را می‌داد، اما مبلغ کمی به‌عنوان خسارت گرفتم. همین باعث شد که از بیمه متنفر و درصدد باشم به طریقی به آن خسارت وارد کنم. وقتی تن ماهی را بار زدم متوجه شدم که محموله بیمه است. از این فرصت سوءاستفاده کردم و آن را به سرقت برده و فروختم، بعد هم سناریوی سرقت را مطرح کردم. حمیدرضا کیاستی‌نیا، بازپرس شعبه دوم دادسرای جنایی تهران با تایید این خبر به جام‌جم گفت: برای متهم قرار قانونی صادر شد و تحقیقات از او ادامه دارد.

آگهی مناقصه عمومی
شماره ۲۲۵-۱۴۰۳
شرکت صنعتی در نظر دارد
نسبت به تامین و خرید
۱۸۵ مجموعه کرانویل پینیون
(مطابق با مشخصات فنی پیوست) از طریق مناقصه عمومی اقدام نماید.
لذا از کلیه اشخاص حقیقی یا حقوقی واجد شرایط و ذیصلاح دعوت می‌شود جهت دریافت اسناد مناقصه از تاریخ انتشار آگهی حداکثر به مدت ۱۰ روز کاری نسبت به ارائه پیشنهاد قیمت و تحویل اسناد مناقصه اقدام نمایند.
ضمنا آخرین مهلت تحویل پاکات تا پایان وقت اداری روز شنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۷/۰۷ خواهد بود.
شرکت کنندگان جهت کسب هرگونه اطلاعات بیشتر و هماهنگی می‌توانند با شماره تلفکس ۲۶۱۰۳۱۵۴-۰۲۱ تماس حاصل فرمایند.

آگهی مناقصه عمومی
شماره ۲۲۴-۱۴۰۳
شرکت صنعتی در نظر دارد
نسبت به تامین و خرید
۶۲۵ عدد دیسک و صفحه کلاچ
(مطابق با مشخصات فنی پیوست) از طریق مناقصه عمومی اقدام نماید.
لذا از کلیه اشخاص حقیقی یا حقوقی واجد شرایط و ذیصلاح دعوت می‌شود جهت دریافت اسناد مناقصه از تاریخ انتشار آگهی حداکثر به مدت ۱۰ روز کاری نسبت به ارائه پیشنهاد قیمت و تحویل اسناد مناقصه اقدام نمایند.
ضمنا آخرین مهلت تحویل پاکات تا پایان وقت اداری روز شنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۷/۰۷ خواهد بود.
شرکت کنندگان جهت کسب هرگونه اطلاعات بیشتر و هماهنگی می‌توانند با شماره تلفکس ۲۶۱۰۳۱۵۴-۰۲۱ تماس حاصل فرمایند.

آگهی مناقصه عمومی
شماره ۲۲۳-۱۴۰۳
شرکت صنعتی در نظر دارد
نسبت به تامین و خرید
دستگاه اسیلوسکوپ به همراه پراب
(مطابق با مشخصات فنی پیوست) از طریق مناقصه عمومی اقدام نماید.
لذا از کلیه اشخاص حقیقی یا حقوقی واجد شرایط و ذیصلاح دعوت می‌شود جهت دریافت اسناد مناقصه از تاریخ انتشار آگهی حداکثر به مدت ۱۰ روز کاری نسبت به ارائه پیشنهاد قیمت و تحویل اسناد مناقصه اقدام نمایند.
ضمنا آخرین مهلت تحویل پاکات تا پایان وقت اداری روز شنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۷/۰۷ خواهد بود.
شرکت کنندگان جهت کسب هرگونه اطلاعات بیشتر و هماهنگی می‌توانند با شماره تلفکس ۲۶۱۰۳۱۵۴-۰۲۱ تماس حاصل فرمایند.